

ایلیا موسایی‌اننه‌توی تاریکی در یخچال را می‌بندد. توی دستش لیوان شیشه‌ای است، تا نصفه نوشابه ریخته. همین طوری نصفه‌نصفه می‌خورد. می‌آید پای پنجره. روی چهارپایه بزرگه می‌نشیند. می‌گوید «تو خواب نداری بچه؟ ساعت دوه‌ا،» می‌گوید «ننه تا به حال چیزی ازت درزیده‌ان؟» می‌گوید «عین بختک دنبالمی که هی دهن لقی کنی، بابا ساکت و بی صدا می‌آید. پنجره‌را باز می‌کند. سرداست. می‌گوید «تو چرا نخوابیدی بابایی؟» می‌گوید «خواهم نمیداد، سیگار لای انگشتانش است. خاموش است. همین طوری ادای کشیدن درمی‌آورد. می‌گذارد لای لبش بعد فوت می‌کند توی هوا. ننه می‌گوید «سرده. ببند، بابا می‌گوید «ای بابا... من گرمایی وسط شما سرماییا داره بهم ظلم می‌شه. بعدشم وقتی پنجره بازه مغزم واقعا باور می‌کنه سیگار روشنشه، ننه می‌گوید «خب نکش. خفه مون کردی، بابا خودش هم به سیگار نگاه می‌کند. من می‌گویم «ننه این که خاموشه، می‌گوید «من همه‌اش فکر می‌کنم روشنشه. دارم خفه می‌شم، بابا می‌گوید «ای بابا... ادای سیگارم نمی‌شه درآورد؟» ننه می‌گوید «نکش، بابا محکم توی هوا فوت می‌کند. سیگار را می‌گذارد توی جیب پیژامه راه‌راهی‌اش. می‌گوید «مادر چرا حرف گوش نمی‌دی؟ به‌خدا اینا برات بده...» ننه می‌گوید «بد باشه... دو روز از عمرم مونده. دلم به همین خوشه، بابا نزدیکش می‌شود «خب بهم بگو برای چی این قدر دوست داری؟ چی تو این لامصبه؟» ننه توی لیوان نگاه می‌کند «وقتی تشنه‌ام می‌شه هیچی فایده نداره. جز همین،» مامان با چشم‌های خوابالو می‌آید. می‌گوید «نصفه‌شبی جلسه خونوادگی گرفتین؟ ساعت چنده؟» بابا می‌گوید «دو و نیم باید باشه، بیرون تاریک است. مامان می‌گوید «پلیسا چی گفتن؟» بابا می‌گوید «نگفتم مگه؟» مامان می‌گوید «گفتم شاید ناراحتی ات بیشتر بشه نپرسیدم. خودمم دل‌ودماغ نداشتم، بابا می‌گوید «هیچی...» هی می‌پرسید به کی شک دارین. بعدشم پیزامه زیاد نداشته باشین. چی بشه که پیدا بشه، مامان می‌گوید «تو چی گفتی؟» «چیو چی گفتف؟» مامان می‌گوید «اینکه به کی شک داریم، بابا می‌گوید «گفتم چیزی به ذهنم نمیداد... طرف دید ناخوشم گفت هروموقع بهتر شدم برم کلاترری. بعدشم برای دوربین و اینا پرسید گفتم صاب خونه انتقدر ناخن خشکه همه اینا براش خرج اضافه‌س،» مامان می‌گوید «کاش دزد می‌زد به خونه خودش، بابا می‌گوید «کی مأموره؟» مامان می‌گوید «نه بابا تو گیج‌تر از منی که... صاب خون رو می‌گم،» آها... کاش هم می‌زدن به خونه‌اش هم ماشینشو می‌بردن،» مامان می‌گوید «چرا این طبقه اولیا رو نگفتی؟» بابا می‌گوید «به فکرم نرسید،» ننه لیوان نوشابه‌اش خالی شده. می‌گوید «چه حرفا می‌زنین... اون طفلکا سرشون تو درس و کتاب خودشونه، بابا می‌گوید «اه... چرا اون موقع به ذهنم نیومد،» مامان می‌گوید «مادر جان اصلا از همون اول ما گفتیم خونه به مجرد نده... این قدیری کافیه بوی پول به دماغش بخوره، بابا می‌رود. مامان می‌گوید «کجا؟» «من همون اول خودم باید می‌رفتم دم خونه‌شون... به‌زور هم شده می‌رفتم داخل...» این طوری معلوم می‌شد کار خودشونه می‌نه، ننه می‌گوید «نکن خدا قهرش می‌گیره، بابا محکم در را می‌بندد. مامان و ننه می‌دوند سمت در. من هم می‌روم. لای در را باز می‌کنند و گوش می‌دهند. از آن پایین صدای کوبیدن در می‌آید. بعد صدایشان می‌آید. نمی‌فهمیم چه می‌گویند. صدایشان بلندتر می‌شود. از طبقه بالا صدای در می‌آید. یکی از پله‌ها می‌آید پایین و همانجا می‌ایستد. نمی‌بینیمش. بعد سروصدا می‌شود. مامان بادست می‌زند روی لپ‌خودش. می‌گوید «خدا مرگم بده،» ننه می‌گوید «مال خودتو سفت بچسب همسایه‌تو دزد نکن،» من می‌گویم «یعنی چی ننه؟» ننه می‌گوید «هیسسس» و گوش می‌دهد. صدای تلق‌تلق می‌آید. بابا دارد داد می‌زند. بعد صدای پا می‌آید. بابا می‌آید بالا. روی نرده خم می‌شود و داد می‌زند «حالا بین چیکارت می‌کنم، خون‌های دماغش ریخته روی لباسش. ننه می‌گوید «دل‌ت خنک شد؟ نصف شبی شر درست کردی،» مامان دستمال آورده و دارد صورت بابا را تمیز می‌کند. بابا می‌گوید «زدم تو چشمش... فکر کنم کور شد،» مامان می‌گوید «چه‌ات شد یهو؟ اینا برن شکایت کنن که باید دیه هم بدیم،» بابا می‌گوید «می‌گم شک داشتم بهشون. تازه دماغ منم هست. دیه‌اشو می‌گیرم. این به اون در،» سرش را بالا گرفته و باز خون می‌آید. ننه می‌گوید «رفتی جوون مردمو کور کردی... خدا خیرت نده... هر بار منو می‌بدین ساکمو تا دم خونه می‌آوردن،» بابا دست می‌کند توی جیب پیژامه و سیگارش را می‌آورد بیرون. شکسته. همان طوری نصفه‌و آویزان می‌گذارد لای لبش. می‌گوید «مادر وقت گیر آوردی،» ننه همانجا می‌نشیند. مامان می‌آید سراغم. می‌گوید «گریه نکن نیما، ولی من زل زده‌ام به پاهای ننه که حالا دارند می‌لرزندو خودش یک‌وری غش می‌کندروی زمین. بابان

تلف شدن ۱۸ هزار رأس گاو در انفجار مهیب

ایبسانا|مقام‌های محلی نگراس آمریکا می‌گویند که در جریان انفجاری مهیب در یک دامداری در حومه شهر دیمیت، حدود ۱۸ هزار رأس گاو تلف شدند. در جریان این انفجار مهیب یک نفر نیز به‌شدت مجروح شده‌است. به‌گفته‌مقام‌های ایالتی احتمالا نقص فنی و داغ شدن بیش از حد دستگاه تخلیه موجب انفجار گاز متان در این دامداری شده‌است.

کارخانه سوزی در آمریکا

ایرنا|کارخانه بزرگ بازیافت پلاستیک در ایالت ایندیانای آمریکا طعمه حریق گسترده شد. با دستور مقامات امنیتی ۲هزار نفر در اطراف این کارخانه، منازل خود را تخلیه کرده‌اند. با وقوع این آتش سوزی، دودی سمی در آسمان درحال انتشار است و به‌گفته مقامات شهری خاموش کردن این آتش سوزی روزها طول خواهد کشید. علت این آتش سوزی هنوز مشخص نیست و عملیات اطفای حریق همچنان ادامه دارد.

نخستین مرگ انسانی با آنفلوآنزای مرغی

صدائوسیمال|سازمان جهانی بهداشت اعلام کرد چین نخستین مرگ انسانی بر اثر آنفلوآنزای مرغی (اچ‌ان۳ا) را گزارش کرده‌است. بنابر این گزارش، قربانی این حادثه یک زن پنجاه‌وشش ساله اهل استان گوانگدونگ چین است که چندی پیش به‌دلیل ذات‌الریه شدید در بیمارستان بستری شده بود.

۳ کشته در تعطیلات آخر هفته

حریق و حوادثی که در مشهد موجب بروز خسارات مالی شدید و تلفات انسانی شد

مهدي قرآنی

در تعطیلات آخر هفته‌ای که گذشت مشهدآیستن حوادث زیادی بود که علاوه بر بروز خسارات مالی شدید موجب جان باختن سه تن از همشه‌ریانمان شد. حوادثی از قبیل سقوط درخت، آتش سوزی و تصادف شهری و برون شهری که همگی در چهار روز اخیر در قاب آخرین روزهای فروردین ۱۴۰۲ قرار گرفتند.

● سقوط درخت روی پژو

اولین حادثه در خیابان آیت...عبادی اتفاق افتاد. حادثه‌ای که در آن یک اصله درخت بر روی یک خودرو سقوط کرد. با اعلام این حادثه به سامانه فوریت‌های ۱۲۵ بلافاصله تیم‌هایی از ایستگاه شماره یک آتش‌نشانی خود را به محل حادثه در کوچه رضوی هارساندند. در بررسی‌های اولیه نیز مشخص شد که این درخت کهن سال بر روی یک خودرو پژو ۴۰۵ سقوط کرده و موجب بروز خسارت به این سواری شده‌است.

مأموران آتش‌نشانی در ادامه عملیات خود ضمن برش زدن این درخت تنومند، ایمن‌سازی محل را انجام دادند و خودرو حادثه‌دیده را رهاسازی کردند و تحویل مالک دادند. آنچه در این حادثه اهمیت داشت این بود که سقوط درخت موجب تلفات انسانی و مصدومیت هیچ یک از اهالی محل نشده بود.

علت دقیق وقوع حادثه از سوی کارشناسان مربوط در دست بررسی است.

● ابرهای آتشین در خیابان گاز

دومین حادثه نیز در خیابان گاز مشهد رخ داد.

دندانسازچه می‌شود فردی که هنوز یک ماه از پایان حبسش در زندان گذشته، دوباره خود را گرفتار می‌کند!

هنوز دوروز از سال نو نگذشته‌است که درهای زندان باز می‌شود و متهمی که محکومیش را گذرانده، آزاد می‌شود اما گویا هوای خوش بهار و حس زندگی طبیعت هم نمی‌تواند او را از انجام جرمی دوباره بازدارد. بیست روز نگذشته، در هنگام سرقت دستگیر می‌شود. البته این دومین سرقت او بعد از آزادی است. اولین سرقتش از منزلی است که زمانی مستاجر آن بوده‌است. ماجرا از این قرار است که چندشب پیش، شهروندان خیابان مطهری شمالی ساعت ۲۱ شب سارقی را روی پشت‌بام یک ساختمان چهارطبقه می‌بینند

خبر

ابوعطا|شاید سمیرا نمی‌خواست، اما تن به خواست خدا داد. او در اثر حادثه‌ای تلخ به جگره بیماراران مرگ‌مغزی پیوسته بود و خانواده‌اش را بر سر دوراهی دل‌بستن و دل‌کندن حیران گذاشته بود. پزشکان واقعیتی تلخ را با این خانواده در میان گذاشتند که یک جمله بود، «هیج بیمار مرگ مغزی به زندگی بازنگشته‌است.» پس از این مشاوره، خانواده از سمیرای جوانشان دل بریدند و در برابر تقدیر الهی سر خم کردند. خانواده یعقوبی با چشمانی اشک‌بار پای فرم‌های مربوط به اهدای عضو را امضا زدند و این گونه مقدمات هزارادویست ونود و نهمین عمل اهدای عضو از اهداکننده مرگ مغزی در مشهد رقم خورد. با اعلام مرگ مغزی مرحوم سمیرا یعقوبی، بیست‌وهشت ساله، در بیمارستان امام علی^(ع) بیست

خبر

متقی استان شمالی	دیندار مکان مذهبی	آزاده جمع فن سازمدر	لطیفه هیاهو قوم روس	مروارید طفل زیر پامانده	تکیه نامی فرنگی	محل عبور کشاورز	پادشاه کشتی جنگ گرامی
			نیم گرم				
			سنت				
مهربان		جاننامز		راجی			
سهل		چندملت		مدرك			
		فرشتگان دلسوز تر از مادر		ریاست مغز سر		قله مشهدی تسری	
مخفف اگر عضو صورت	واسطه گری بی زبانی			افسون		دریاچه حمام ایستادن	ناظر
	درخشش اتصالی برق		فیلمی از ناصر تقوایی				
	صوت ندا شانس					فوری پیامبری	
مدافع فوتبالی صایع			ک ا ب س ا ل ی ه م د ا ن ر ب ا ی ق ن د ا ک س ی ژ ن پ ا د ا ب و د ا ر ا ب و ا ب ت ی ه و	ک ا م ا ر ع ا ت ا و ا ش و ن ی م ر ت ا ل پ ا ن پ ا د ا ب و د ا ر ا ب و ا ب ت ی ه و	ک ا م ا ر ع ا ت ا و ا ش و ن ی م ر ت ا ل پ ا ن پ ا د ا ب و د ا ر ا ب و ا ب ت ی ه و	زبانوی درب	
پایان دهنده صبرزرد			ک ا ب س ا ل ی ه م د ا ن ر ب ا ی ق ن د ا ک س ی ژ ن پ ا د ا ب و د ا ر ا ب و ا ب ت ی ه و	ک ا م ا ر ع ا ت ا و ا ش و ن ی م ر ت ا ل پ ا ن پ ا د ا ب و د ا ر ا ب و ا ب ت ی ه و	ک ا م ا ر ع ا ت ا و ا ش و ن ی م ر ت ا ل پ ا ن پ ا د ا ب و د ا ر ا ب و ا ب ت ی ه و	صفحه اینترنت حرف تکراری	
دفع مزاحمت رستوران		دل آزار کهنه				شانه نام پسرانه آوردن	

حادثه‌ای که توأم با حرقی گسترده بود و تا مأموران آتش‌نشانی برسند آتش به اوج خود رسیده بود. آن‌هم نه به دلیل تأخیر در اعلام حادثه بلکه وجود اقلام اشتعال‌زا این حادثه را افزایش داده بود. در این عملیات مأموران اطفای حریق شش ایستگاه آتش‌نشانی به محل حادثه اعزام شدند و به مهار آتش سوزی پرداختند. کانون حادثه یک کارگاه فروشگاه تولید ابر و اسفنج بود که به علتی نامعلوم گرفتار این آتش سوزی مهیب شده بود. مأموران آتش‌نشانی بعد از گذشت ساعتی سرانجام توانستند حجم بالای این آتش سوزی را کاهش دهند و ضمن خارج کردن دوده‌های سمی از محل، حریق را به‌طور کامل مهار کنند. در این عملیات مأموران آتش‌نشانی علاوه بر مهار زبانه‌های سرکش آتش از سرایت آن به منازل مسکونی اطراف جلوگیری کردند. در این حادثه نیز به کسی آسیبی نرسید. علت دقیق آتش سوزی در دست بررسی است.

● فوت زیر چرخ‌های برلیانس

حادثه بعدی نیز در صدمتری مشهد رخ داد. با اعلام این خبر به سامانه فوریت‌های ۱۲۵ بلافاصله تیم‌های امداد و نجات ایستگاه شماره ۸ به همراه عوامل پلیس راهور و مأموران انتظامی به محل اعزام شدند. با حضور مأموران در صحنه حادثه و انجام بررسی‌های اولیه مشخص شد در حوالی پل فجر به سمت ابتدای ورودی پل پنجتن یک دستگاه خودرو برلیانس به علتی نامعلوم با مردی حدودا سی‌وپنج ساله برخورد کرده‌است.

در این حادثه رانندگی مرد سانحه‌دیده به زیر خودرو کشیده شده و به دلیل شدت صدمات وارده در دم جان خود را از دست داده بود که مأموران

سرقت از خانه قبلی پس از پایان حبس

در مقابل ساختمان محل دستبرد پارک شد، کشف و ضبط می‌شود.

متهم در ابتدا زیر بار پذیرش سرقت‌های خود نمی‌رود ولی با وجود ادله پلیس، پرده از راز سرقت دیگری نیز برمی‌دارد. این سرقت مربوط به خانه‌ای است که چندین سال پیش در آن ساکن بوده‌است. سند خودرو یک دستگاه پژو و شناسنامه، مربوط به سرقت از یک مجتمع مسکونی چهار طبقه در بولوار اندیشه بوده‌است.

آن‌طور که فرمانده انتظامی مشهد اعلام کرده، متهم فردی سابقه‌دار است که دوم فروردین

خبر

معاون بازرسی و حمایت از مصرف‌کنندگان اداره کل صنعت، معدن و تجارت خراسان رضوی از کشف و ضبط دو خودرو سواری کلکسیونی قاچاق به ارزش بیش از ۴۵ میلیارد ریال در مشهد خبر داد. به‌شعاعی بیاتی قله‌زو به ایرنا گفت: در اقدام ویژه بازرسان مرکز استان و با همکاری تعزیرات حکومتی از نمایندگی فروش و خدمات فروش در یکی از شهرستان‌های استان، دو خودرو سواری قاچاق از نوع بنز و فولکس واگن و مقادیری روغن موتور خارجی قاچاق کشف شد. وی افزود: خودرو بنز بدون هیچ‌گونه اسناد و مدارک است، اما خودرو فولکس واگن دارای اسناد و مدارکی بوده که طی انتقال خودرو به توقفگاه و بازرسی و بررسی از آن مشخص شد که شماره موتور و شماره شاسی با اسناد و مدارک همراه ماشین مغایرت دارد. معاون اداره کل صنعت، معدن و تجارت



در بررسی‌های اولیه مأموران آتش‌نشانی مشخص شد که یک دستگاه خودرو سواری پژو ۴۰۵ که در جاده در حال حرکت بوده‌است، به علتی نامعلوم از مسیر منحرف و پس از چند بار معلق زدن در شانه خاکی واژگون و سپس طعمه حریق شده‌است. در این حادثه دو سرنشین خودرو پژو که داخل اتاق مجاله شده آن به شدت مصدوم و محبوس شده بودند در میان آتش خودرو ۴۰۵ گرفتار شده و جان خود را از دست دادند. اجساد این افراد پس از رها سازی از لابه‌لای آهن‌پاره‌های این سواری، تحویل عوامل انتظامی حاضر در صحنه حادثه شدند. بررسی‌ها درباره علت دقیق این حادثه در جریان است.

امسال، از زندان آزاد شده‌است اما پس از رهایی، نقشه سرقت از آپارتمانی را که چهار سال پیش در آن ساختمان به عنوان مستاجر سکونت داشته‌است، می‌کشد. سرهنگ احمد نگهبان می‌گوید که سارق، با کلیدهایی که از قبل در اختیارش بوده، وارد ساختمان شده و بخشی از لوازم با ارزش این واحد مانند جای‌ساز، قهوه‌ساز، اتویخار، ششوار، ساعت دیواری، چرخ گوشت و... به ارزش تقریبی ۱۵۰ میلیون ریال را سرقت کرده‌است. این فرد این وسایل را به فردی مال خر در محدوده خیابان کشاورز به مبلغ ۱۶ میلیون ریال برای تأمین هزینه‌های مواد مخدر فروخته‌است. تحقیقات از متهم برای شناسایی و دستگیری مال‌خرو دیگر جرائم احتمالی او ادامه دارد.

قاچاق به خودروهای کلکسیونی رسید



خراسان رضوی گفت: بنا به نظر کارشناسان ارزش خودرو بنز ۳۰ میلیارد ریال فولکس واگن ۱۵ میلیارد ریال و ارزش روغن موتور هانیز افزون بر یک میلیارد ریال است. بیاتی بیان کرد: خودروهای کشف‌شده با هماهنگی رئیس شعبه تعزیرات حکومتی، به انبار اداره کل جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی خراسان رضوی، انتقال داده شد. برای متصدی واحد مزبور گزارش تخلف قاچاق تنظیم و برای رسیدگی به اداره کل تعزیرات حکومتی استان ارسال شد.